

شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران

مجتبی جوادی *

حسن دانایی فرد **

چکیده

پژوهش، کلید پیشرفت کشور است؛ زیرا یکی از پایه‌های مهم هر گونه رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و کیفیت مترقی نظام‌های پژوهشی مختلف در برخی کشورهای پیشرفته حاکی از این است. امروزه مسائل فراوانی در نظام پژوهشی کشور موجود است که موجب رخوت و کاهش نشاط در جوامع علمی شده است؛ نظام پژوهش کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی سردرگمی خاصی دارد و شاهد موزای‌کاری‌ها و هدررفت منابع مالی، سرمایه انسانی و زمان هستیم که منشأ آن نیز عدم حکمرانی مطلوب در این عرصه است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی است تا بر این اساس امکان راهبری مناسب پژوهش‌های علوم انسانی حاصل شده و گامی در جهت طراحی الگوی مطلوب اسلامی- ایرانی حکمرانی پژوهش باشد. در این پژوهش که از استراتژی پیمایش کیفی تبعیت شده است، پژوهشگر با حضور در عرصه‌های اصلی حکمرانی پژوهش علاوه بر مشاهده نزدیک به مصاحبه عمیق با خبرگان این عرصه پرداخته است. پس از گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها با روش تحلیل مضمونی، چارچوب حکمرانی پژوهش استخراج و آسیب‌های آن نیز احصا شده است. چارچوب نهایی دارای هفت بخش اصلی است که آسیب‌های مرتبط با هر کدام ذکر شده است. این بخش‌های هفتگانه عبارتند از: کلیت نظام، درونداد، جعبه حکمرانی (به‌مثابه فرایند سیستم پژوهش، دارای سه سطح کلان، میانی و خرد)، برون‌داد، بازداد، فرهنگ و محیط پژوهش و نظامات مرتبط با پژوهش. پژوهشگر برای بررسی اعتبار یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین آسیب‌ها (با اهمیت و تکرار بالا) را در قالب یک پرسشنامه به ۲۸ نفر از خبرگان (مصاحبه‌شدگان و دیگران) عرضه کرده است و در نهایت ضمن تأیید حداکثری از آسیب‌های مستخرج، مهم‌ترین و کم‌اهمیت‌ترین آسیب‌ها از نظر این خبرگان مشخص شده است.

واژگان کلیدی

حکمرانی پژوهش، تحول در علوم انسانی، پیمایش کیفی، نظام پژوهش

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

Email: javadiisu@gmail.com

Email: hdanaee@modares.ac.ir

** استاد دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۸

تاریخ ارسال: ۹۶/۸/۱۶

فصلنامه راهبرد / سال بیست‌وهفتم / شماره ۸۷ / تابستان ۱۳۹۷ / صص ۸۶-۶۱

جستار گشایی

پژوهش کلید پیشرفت کشور است. زیرا یکی از پایه‌های مهم هرگونه رشد و توسعه در زمینه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود و کیفیت مترقی نظامات پژوهشی در برخی کشورهای پیشرفته حاکی از این است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۱). همان‌گونه که مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸؛ مروتی و دیگران، ۱۳۹۱؛ محب‌علی، ۱۳۷۴؛ منطقی، ۱۳۸۸)، امروزه مسائل فراوانی در نظام پژوهشی کشور موجود است که موجب رخوت و کاهش نشاط علمی در جوامع علمی شده است؛ آیا مسائلی که در دانشگاه‌ها روی آنها کار می‌شود و مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی که نوشته می‌شود، در پی حل مسائل واقعی کشور هستند؟ و سرمنشأ آنها، یک درد اجتماعی است یا انگیزه‌های دیگر؟ نتایج پژوهش‌های انجام‌شده تا چه حدی به کار گرفته می‌شوند؟ تأمین مالی پژوهش‌ها چگونه اداره می‌شوند؟ در یک کلام باید گفت که نظام پژوهش کشور، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی دچار نوعی سردرگمی است و شاهد موازی‌کاری‌ها و هدررفت منابع مالی، سرمایه انسانی و زمان هستیم که منشأ آن نیز عدم حکمرانی مطلوب در این عرصه است. مقام معظم رهبری در یکی از بیاناتشان می‌فرمایند: «باید تحقیقات را جهت‌دهی کرد. مطلق تحقیقات به هر شکلی مطلوب نیست. تحقیقات باید بتواند در جهت مشخصی به کار افتد؛ یعنی آن مواردی مورد تحقیق قرار گیرد که چرخه تحقیقاتی، فنی و علمی کشور را کامل کند. پراکندگی در کار تحقیقات، شاید موجب شود که برخی از این کارها، بی‌فایده یا حداقل کم‌فایده شود.» (در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۰/۹/۱۹)).^(۱)

اگرچه پژوهش‌هایی در مورد موضوعات مختلف پیرامون حکمرانی نظام نوآوری ایران، تحول علوم انسانی، خط‌مشی‌گذاری علوم انسانی، موانع و ظرفیت‌های فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها، مختصات جامعه علمی و نحوه مدیریت منابع انسانی جوامع پژوهشی و غیره (حاجی‌حسینی و دیگران، ۱۳۹۰؛ حمیدی‌زاده، ۱۳۷۵؛ دانایی‌فرد، ۱۳۸۸؛ داوری اردکانی، ۱۳۸۹؛ رضاییان، ۱۳۸۶؛ شاه‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۴؛ قاضی‌نوری و دیگران، ۱۳۸۷؛ میرطاهری و دیگران، ۱۳۷۲؛ مروتی و دیگران، ۱۳۹۱؛ محب‌علی، ۱۳۷۴؛ منطقی، ۱۳۸۸) شکل گرفته است، ولی هیچ‌یک از این پژوهش‌های داخلی به‌طور منسجم به شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب کلی حکمرانی پژوهش در علوم انسانی نپرداخته است یا به‌صورت عمومی و مبنایی به‌نقد و بررسی اوضاع علوم انسانی در کشور پرداخته‌اند. این در حالی است که مشاهده ادبیات حکمرانی پژوهش در جوامع توسعه‌یافته، نشان از توجه عمیق به این موضوع است و رویکردهای نرم و مشارکتی، در مقابل رویکردهای سلسله‌مراتبی و خشک در حوزه

راهبری پژوهش‌های علوم انسانی، امروزه بیش‌ازپیش مورد توجه واقع شده است. ولی به نظر می‌رسد که هنوز در ایران فنون رویکردهای سلسله‌مراتبی، خشک و از بالا به پایین حاکم است؛ لذا به نظر می‌رسد گام نخست در تغییر این فضای حاکم و حرکت به سمت بهینه‌کردن اقدامات حکومتی و راهبری در حوزه علوم انسانی و اجتماعی، شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش موجود است.

با این اوصاف، حکمرانی پژوهش‌ها در عرصه علوم انسانی یکی از مهم‌ترین عوامل تحول در علوم انسانی است که باید در جهت طراحی الگویی منسجم برای این حکمرانی، وضعیت موجود حکمرانی پژوهش شناخته شود. طبق این اصل نگارندگان در این پژوهش به دنبال شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی ایران هستند؛ به‌گونه‌ای که با بیان اجزای مختلف چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی، به بیان آسیب‌های هرکدام از بخش‌های مختلف آن بپردازند. بر این اساس می‌توان پرسش‌های پژوهش حاضر را به‌صورت زیر بیان کرد:

- اجزای چارچوب حکمرانی و راهبری پژوهش در علوم انسانی ایران چیست؟
- آسیب‌های متوجه به هرکدام از این اجزای مختلف چارچوب حکمرانی پژوهش چیست؟

مرور پیشینه موضوع. برای ایجاد یک چارچوب مفهومی به‌منظور رسیدن به پاسخ‌های مطلوب برای پرسش‌های پژوهش حاضر، نیاز است که در ابتدا مفاهیم اصلی شکل‌دهنده پژوهش تبیین شوند. حکمرانی پژوهش در علوم انسانی دارای ادبیات نظری خاص خود است که در ادامه به بخش‌های مختلف آن در جهت مسئله پژوهش حاضر پرداخته می‌شود. در اصل این چارچوب مفهومی ابتدایی، محتوای اولیه برای گام‌های بعدی پژوهش، یعنی مشاهده میدانی، مصاحبه و تحلیل را آماده کرده است. در ادامه مقاله به موضوع حکمرانی، به‌عنوان بستری برای بررسی مسائل پژوهش حاضر پرداخته شده و سپس جنبه‌های فعلیت‌یافته آن، در عرصه پژوهش بررسی خواهد شد. در بخش بعدی از مرور ادبیات پژوهش، به بیان خردمایه بررسی موضوع حکمرانی پژوهش (باوجود مفاهیمی مثل خط‌مشی‌گذاری پژوهش، مدیریت پژوهش و غیره) پرداخته می‌شود. در انتهای بیان ادبیات، پس از بیان تعاریف و ویژگی‌های حکمرانی پژوهش به‌صورت عام، به حکمرانی پژوهش در علوم اجتماعی و انسانی پرداخته شده است. مرور ادبیات موضوع این پژوهش با بیان چیستی روش این پژوهش (پیمایش کیفی) و نحوه به‌کارگیری آن در این پژوهش پایان می‌یابد.

۱. حکمرانی

از اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی به تدریج مفهوم جدیدی با عنوان حکمرانی نزد فیلسوفان سیاسی مطرح شد و در ذیل آن شیوه نوینی از مدیریت سیاسی و اجتماعی جوامع مورد توجه قرار گرفت که در آن بیش از آنکه بر کارویژه‌های خاص دولت دیوان‌سالار تأکید شود، مجموعه روش‌ها، اهداف و درجه کنترل جامعه توسط نهاد قدرت حائز اهمیت است. در نگاه نخست سعی می‌شود با تأکید بر عنصری به نام تکثر در اعمال قدرت آشکال مختلف رابطه حکومت با شهروندان به جای یک رابطه بوروکراتیک سلسله‌مراتبی (بالا به پایین) در قالب انواع روابط متقابل و شبکه‌ای مورد بررسی قرار گیرد (Lee, 2007: 922; Kooiman, 1993: 1; Rhodes et al, 2007: 387; Bevir, 2013: 364; ۱۴: ۱۳۹۴؛ حسینی).

حکمرانی از واژه‌های قدیمی است که پس از احیاشدن در دهه اخیر، از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی، به‌ویژه مدیریت دولتی به شمار می‌رود و عموماً به‌عنوان یک مفهوم جدید در ارتباط با دولت و مدیریت دولتی به کار می‌رود و برای بسیاری موضوعات، مانند حکمرانی محلی، حکمرانی جهانی، حکمرانی محیطی و غیره به‌عنوان پسوند استفاده شده است که به معنای اصلاح به کار می‌رود (الوانی و علیزاده‌ثانی، ۱۳۸۶: ۲). ریشه اصلی این واژه به steer به معنی ایده فرمان راندن برمی‌گردد. حکمرانی^۱ حس فرمان‌دادن به گروه یا جامعه به صورت سلسله‌مراتبی بوده است. آنچه از معنای این واژه به دست می‌آید در گذشته تفاوتی روشن میان Government و Governance نبوده و معنای این دو مفهوم به هم نزدیک بوده است. حکومت به شیوه اداره جامعه سیاسی و حکمرانی به شیوه اداره امور و مدیریت مسائل اجتماعی مربوط می‌شده است (Kjaer, 2000: 4). امروزه در واقع حکومت نهادهای سیاسی-اداری و دستگاه‌های قانونگذاری، اجرایی، قضایی و نظامی را که عهده‌دار برقراری نظم و امنیت، گرداندن جامعه و برآوردن نیازهای گوناگون شهروندان هستند دربر می‌گیرد؛ درحالی‌که حکمرانی به فرایندهای تصمیم‌گیری، چگونگی کاربرد قدرت و روابط دولت و شهروندان اشاره دارد (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

۱-۱. حکمرانی پژوهش

حکمرانی پژوهش مجموعه‌ای از روابط متداخل است. بنر^۲ به سه سطح اشاره می‌کند: اهداف کلان پژوهش عمومی و نقش خط‌مشی پژوهش در ارتباط با سیستم‌های اقتصادی و سیاسی؛ سطح میانی انتخاب، کنترل و ارزشیابی پژوهش تأمین مالی‌شده عمومی و سطح خرد

1. Governance
2. Benner

فعالیت‌های مذاکره در داخل دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی. ادگاردن^۳ نیز به‌طور مشابه وجود سطوح چندگانه را تصدیق می‌کند. در کلام او هیچ نهاد ثابتی وجود ندارد که علم نامیده شود که حکمرانی شود، درباره آن نگرانی صورت گیرد، آن را تحسین کنند، محکوم شود، در آن سرمایه‌گذاری شود و خیلی کمتر فهم شود. هر بخش کوچک علم توسط بسیاری از نهادها و خط‌مشی‌ها، حکمرانی می‌شود. حکمرانی پژوهش با وجود ظرافت‌هایی که الگوی اصیل- وکیل دارد، از ترتیبات نهادی دربرگیرنده تأمین مالی کنندگان پژوهش چشم‌پوشی کرده و به‌خوبی فرایندهای سازمانی در آن، به این مقوله نپرداخته است (Bruce, 2014: 18). با این حال پژوهش با بودجه دولتی همواره با انتظار برخی رهاوردهای منفعت برای حکومت همراه است. در دوران قبل از قرن هجدهم، حمایت‌های سلطنتی از دانشمندان بخشی از رقابت میان دولت‌ها برای قدر و منزلت بین‌المللی بود تا جایی که حکومت انگلیس جوایزی را برای فناوری‌های جدید نظامی یا ناوبری ارائه می‌کرد. در قرن بیستم/سلاگتر و دیگران (Slaughter et al, 1996: 19) دولت ایالات‌متحده آمریکا را به‌عنوان تأمین مالی کننده علم جنگ سرد در یک دولت کینزی توصیف می‌کنند که با یک روایت از پیروزی جنگی علیه کمونیسم، فلج اطفال و سرطان توجیه شده است. اگرچه اغلب کشورها پژوهش را به‌صورت خیلی حساس و کنجکاوانه بودجه‌ریزی می‌کنند، ولی در ایالات‌متحده آمریکا اکثریت بودجه‌ریزی پژوهشی از طریق مؤسسات مأموریت‌محور مثل اداره کل ملی هوا و فضا، نهادهای ملی سلامت و وزارتخانه دفاع و انرژی انجام می‌شود.

دیدگاه‌ها در بودجه‌ریزی دولتی پژوهش، از نگاه به دانش به‌عنوان یک کالای عمومی ناشی می‌شود. از بازار انتظار می‌رفت که به علت غیرقابل تقسیم بودن، عدم قطعیت و اثرات جانبی تولید دانش جدید، کمتر روی پژوهش سرمایه‌گذاری کند. برخی منافع نه به شرکت‌هایی که متعهد به انجام پژوهش شده‌اند، بلکه به دیگرانی تعلق خواهد گرفت که فقط دانشی که از این پژوهش حاصل شده را کپی کرده یا از آن استفاده می‌کنند. علاوه‌بر این، شرکت‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های نزدیک بازار دارند که تولیدات و خدمات جدید داشته که می‌توانند تقاضای جدیدی تولید کنند. انگیزه‌های بسیار اندکی برای شرکت‌ها وجود دارد که روی پژوهش‌های بنیادی سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا نمی‌توان آنها را به‌راحتی انجام داد یا توسط حامیان به کار بست. بنابراین، دولت در اصلاح این شکست بازار نقش ایفا کرده و پژوهش‌هایی را تأمین مالی می‌کند که برای عموم ارزشمند است، ولی توسط بازار ارائه نشده است.

خطمشی پژوهش یک زمین حاصلخیز برای کاربرد ایده‌هایی از پارادایم حکمرانی است. به نظر می‌رسد که خطمشی فقط می‌تواند کمی بیشتر از تعریف اهداف عمومی و ارائه یک چارچوب برای فعالیت پژوهشی کار کند و نمی‌تواند به‌طور عملی عهده‌دار نوآوری باشد. حکمرانی در اولویت‌گذاری، تأمین مالی، به‌کارگیری خطمشی، ارزشیابی و بین‌المللی‌سازی امور سبک جدیدی را ارائه می‌کند (Fe'ron & Crowley, 2003: 371).

مبانی نظری تحقیق. تعاریف متعددی برای حکمرانی پژوهش در عرصه‌های مختلف ارائه شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها در نگاره زیر اشاره می‌شود:

نگاره شماره (۱) - تعاریف ارائه‌شده از حکمرانی پژوهش

منبع	تعریف ارائه‌شده
(Permission of Central Manchester & Manchester Children's University Hospitals, 2015: 1)	حکمرانی پژوهش توصیف‌کننده و دربرگیرنده همه مقررات، سیستم‌ها و رویه‌های مرتبط با پژوهش است. این سیستم‌ها به سازمان‌ها و اشخاص اجازه می‌دهند تا مطمئن شوند که پژوهش کیفیت بالایی دریافت می‌کنند.
(OECD, 2003: 7)	فرایندهای تصمیم‌گیری که عهده‌دار اولویت‌گذاری، تخصیص بودجه و مدیریت مؤسسات پژوهش بوده و عملکرد آنان را بر حسب کمک آنها به تولید دانش، رشد اقتصادی و پاسخ به نیازهای اجتماعی ارزیابی می‌کند.
(OECD, 2010: 8)	ترتیبات نهادی، ساختارهای انگیزشی که تعیین می‌کنند چگونه بازیگران در تخصیص و مدیریت منابع عمل کنند تا پژوهش و نوآوری را هدایت کنند.
(Polster, 2003: 18)	مجموعه اقداماتی که در آن و از طریق آن، پژوهش اولیه شکل می‌گیرد، تولید می‌شود و به جامعه فرستاده می‌شود.
(Polanyi, 1962: 59)	مجموعه ایده‌هایی از روابط میان دانشمندی است که جدای از بازارها و جامعه کار می‌کنند.

با توجه به تعاریفی که در سرفصل قبل ذکر شد، برخی ویژگی‌ها و آثار نیز بر حکمرانی پژوهش مترتب است که در قالب نگاره زیر به برخی از آنها اشاره شده است:

نگاره شماره (۲) - آثار و ویژگی‌های حکمرانی پژوهش

منبع	آثار و ویژگی‌ها
(Bruce, 2014: 21)	تغییر نقش دولت از حامی علم به میانجی‌گری علمی که در آن عرضه‌کنندگان دانش پژوهش‌محور را به استفاده‌کنندگان وصل می‌کند.
(Slaughter & Rhodes, 1996: 19)	تغییر از سال ۱۹۸۰ به سوی یک فضای رقابتی در یک فضای نئولیبرال که به افزایش تعداد مشاغل و رشد کشورها برای حضور در بازارهای جهانی راوی این قضیه است.
(Bruce, 2014: 20)	شروع حکومت به روش‌های مختلف بازتخصیص بودجه عمومی، تأمین مالی و اهداف در بین سیاستگذاران، دینفعان و مصرف‌کنندگان پژوهش مورد مذاکره قرار گرفت. توجه بیشتر به کشش تقاضا بر اساس ارتباط اجتماعی پژوهش نسبت به فشار علم که مبتنی بر استقلال پژوهشگران در انتخاب موضوعات است.
(OECD, 2003: 9)	حرکت به سمت رویکردهای بالا به پایین بیشتر از رویکردهای پایین به بالا در اولویت‌گذاری.
(Bruce, 2014: 21)	حرکت از بازار استعاره‌ای ایده‌ها به سمت سیستم بازار واقعی.
(Shove & Redclift, 2001, 21)	دانشگاه‌ها باید ایده‌های پژوهشی را به جوامع خط‌مشی بفروشند و پاسخگوی رقابت غیردانشگاهی باشند، درحالی‌که رسوم دانشگاهی اصیل خود را حفظ می‌کنند.
(Rip, 2003: 22)	دور شدن ادبیات پژوهشی از تمرکز اثربخشی و کارایی ایستا به سمت یک علاقه پویا به تناسب اقدامات گذشته و بهبود عملکرد در گذر زمان.
(Bruce, 2014: 22)	توجه بیشتر در دانشگاه‌ها به ابزارهای خط‌مشی به کار گرفته‌شده توسط واسطه‌گران علم، مثل نحوه تأمین مالی، زمینه‌های نهادی امور علمی که شامل انگیزاننده‌هایی می‌شود که رفتار پژوهشگران را شکل می‌دهند.

<p>(Bruce, 2014: 23)</p>	<p>فرایندهای پژوهش بیشتر شبکه‌بندی شدند به طوری که اشخاص بیشتر از قبل همکاری می‌کردند تا در تأمین مالی، داده، وظایف و زیرساخت‌ها مشترک باشند.</p>
<p>(Bruce, 2014: 23)</p>	<p>افزایش مزایده رقابتی برای طرح‌های پژوهشی و پیش‌بینی اینکه آن کار می‌تواند افق زمانی پژوهشگران را کم کرده و اهمیت ارزیابی عملکرد را افزایش دهد.</p>

۱-۱-۱. از خط‌مشی پژوهش به سوی حکمرانی پژوهش: دلالت‌هایی از پژوهش‌های موجود

پرسشی که ممکن است پیش آید، این است که در حوزه ادبیات حکومتی، چه تفاوتی بین حکمرانی پژوهش، خط‌مشی‌گذاری پژوهش، مدیریت پژوهش و غیره وجود دارد. در ادامه بیان ادبیات موضوع پژوهش حاضر، پس از بیان مفاهیم حکمرانی و صورت فعلیت‌یافته آن در عرصه پژوهش یعنی حکمرانی پژوهش، به بیان خردمایه انتخاب موضوع حکمرانی پژوهش برای بررسی نظام راهبری پژوهش در ایران پرداخته می‌شود. در اکثر ادبیاتی که توسط پژوهشگر مطالعه شده است، شاهد یک تغییر پارادایمی یا بنیادی در شیوه‌های اداره بود که برخی از آن تغییرات به اختصار در ذیل این سرفصل آورده خواهد شد.

از میانه دهه ۱۹۹۰ حجم انبوهی از ادبیات درباره تغییر ماهیت حکمرانی پژوهش و آموزش عالی تولید شد که دانشمندان از آن به عنوان باد تغییر (OECD, 2010: 9)، بازطراحی جدید ساختار آموزش عالی و افزایش فشار بهسازی (Jansen, 2010; Fe'ron & Crowley, 2003) یاد می‌کنند. این تغییرات را می‌توان به طور خلاصه این‌گونه بیان کرد:

نخست اینکه تغییراتی مشاهده می‌شود که در ارتباطات دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهش عمومی با حکومت‌ها رخ داده است. این تغییرات را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که یک انتقال از مداخله مستقیم دولت به سمت سبک مداخله هدایت از راه دور دولت، اتفاق افتاده است. برخی از تغییرات در چارچوب مدیریت عمومی جدید است. با مقایسه کشورهای اروپایی، دو الگوی حکمرانی سطح سیستم دیده می‌شود. یک الگوی حکمرانی که در اروپای قاره‌ای بروز کرده است، بر اساس این ایده است که دانشگاه یا سازمان پژوهش عمومی نهاد دولتی است و در طرف دیگر الگوی آنگلو ساکسن حکمرانی اصول مدیریت عمومی جدید را در سال‌های اخیر معرفی می‌کند. پیش‌فرض عمومی این الگو، این است که دولت باید با به‌کارگیری یک‌شبه بازار در سازمان‌های پژوهشی و مؤسسه‌های آموزش عالی آنها را هدایت کند و برای دانشجویان، بودجه‌های پژوهشی و اعتبار رقابت ایجاد کند.

دوم اینکه این تغییرات در سطح رژیم‌های حکمرانی (در سطح حکومتی) روابط قدرت را در سطح سازمانی تحت تأثیر قرار داده است. در فرایند تبدیل دانشگاه به یک بازیگر سازمانی چهارعنصر اصلی پاسخ‌گویی، تعریف اهداف، پیچیدگی ساختارهای رسمی و ارتقای حرفه مدیریت می‌تواند مورد توجه باشد. بنابراین دانشگاه‌ها و سازمان‌های پژوهشی می‌توانند در نهادهایی ایجاد شوند که مسئولیت کاری داشته و قادر به ساختن راهبردها و نقشه‌های پژوهشی هستند و می‌توانند ابزارهای مدیریت عمومی جدید مثل توافقات هدف، ارزشیابی‌ها و اجرا را داشته باشند.

سوم اینکه در اروپا، اتحادیه اروپا نقشش را در خطمشی علم، فناوری و پژوهش تقویت کرد. اشکال جدید حکمرانی که بروز کرده‌اند، ارتباطات عمودی و افقی بین بازیگران ملی و اروپایی ایجاد کرده‌اند. فراخوان صریحی که طرح‌های پروژه‌ای که به اتحادیه اروپا ارائه می‌شد نشان می‌دهند که میان‌رشته بودن، بین‌المللی شدن، همکاری‌های سراسر اروپا و به‌خصوص تجاری‌سازی نتایج پژوهش از این واقعیت به وجود آمد که خطمشی پژوهش، فناوری و توسعه به‌عنوان عامل اصلی رقابت اقتصادی در اتحادیه اروپا شناخته شده است (Jansen & Insa, 2015).

۱-۲. حکمرانی پژوهش در علوم اجتماعی

برخلاف موضوع پژوهشی «حکمرانی علم» تا امروز تلاش‌های بسیار اندکی در زمینه به‌کارگیری نظریه‌های حکمرانی برای علوم اجتماعی صورت گرفته است. تعداد اندکی از پژوهش‌هایی هم که وجود دارند همگی با گرایش کانادایی و انگلیسی می‌باشند و محدود به مطالعه قدرت‌های تنظیمی کمیته‌های اخلاق پژوهش هستند. این شاخه پژوهش روی حکمرانی علوم اجتماعی یک پدیده منزوی باقی مانده است. ما هم دیدیم که حکمرانی علوم اجتماعی در ادبیات حکمرانی علم نیامده است. هیچ جایی مورد توجه قرار نگرفته است که علوم اجتماعی و علم دو تشکیلات متمایز هستند یا اینکه حکمرانی علم نتایج ناخوشایندی را برای علوم اجتماعی خواهد داشت (Donovan, 2004: 597; Féron & Crowley, 2003: 369).

روش پژوهش. عامل اساسی که پژوهش اجتماعی را از دیگر شیوه‌های دانستن در مورد جهان اجتماعی مجزا می‌سازد، این است که این پژوهش از یک شیوه علمی بهره می‌گیرد. پژوهش اجتماعی چیزی بیش از مجموعه‌ای از شیوه‌ها و فرایندها برای ایجاد دانش است؛ فرایندی برای تولید دانش جدید در مورد جهان اجتماعی که از رویکرد علمی استفاده می‌کند (نیومن، ۱۳۸۹: ۱۷). با توجه به ماهیت مسئله پژوهش حاضر که به‌نوعی پژوهشی توصیفی است، رویکردهای کیفی و ترکیبی قطعاً از توان بالایی برای تحقق این اصل برخوردار هستند؛

لذا نگارندگان از یک روش توصیفی کیفی برای نمونه‌گیری، گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده کرده و درنهایت برای اعتباربخشی به تحلیل‌های انجام‌یافته، از روش کمی (در قالب پرسشنامه) بهره‌جسته‌اند. در ادامه به بیان ابعاد مختلف روش پیمایش کیفی اشاره می‌شود و سپس به گزارش گام‌های پیموده شده در این پژوهش مبتنی بر پیمایش کیفی پرداخته می‌شود.

روش پیمایش کیفی. پیمایش کیفی از سایر روش‌های کیفی مثل نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مطالعه موردی و غیره و همچنین از دیگر روش‌های کمی مثل پیمایش آماری و غیره متفاوت است. به‌طور مختصر، پیمایش کیفی، بررسی تنوع (و نه توزیع) در یک جامعه است. با کمال تعجب، اصطلاح پیمایش کیفی (یا پیمایش تنوع متناوب) تقریباً در هر دودسته از کتاب‌های درسی روش‌شناسی پژوهش عمومی و کتب درسی روش‌های تحقیق کیفی موجود نیست (Jonsen, 2010: 1).

به گفته جانسن (۲۰۱۰) و وستر (۱۹۹۵، ۲۰۰۰) از اصطلاح پیمایش کیفی برای تبیین یکی از سه نوع پژوهش کیفی استفاده کرده است (علاوه‌بر قوم‌نگاری و مطالعه موردی). او پیمایش کیفی را به‌عنوان به کار بردن روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با نمونه‌گیری نظری و مقایسه مستمر که شامل چندین چرخه تجربی است، تعریف می‌کند (تکرار تحلیل و جمع‌آوری داده‌ها). یک تعریف رسمی‌تر برای پیمایش کیفی این است: «همه مطالعاتی که تنوع در یک جامعه غیرمحدود را به‌عنوان تعدادی چرخه تجربی یا روش ایجاد کدها را شامل می‌شود و چندین نوع برای آن متصور است: داده‌محور، پیش پژوهش‌محور یا نظریه‌محور».

پیمایش کیفی تنوع یک موضوع را در یک جامعه خاص مطالعه می‌کند؛ پیمایش آماری توزیع عددی ویژگی‌ها و خصوصیات یک موضوع را در یک جامعه مطالعه می‌کند. دامنه تجربی نیز فضای اجتماعی درباره چیزی است که پژوهشگر می‌خواهد نتیجه‌گیری کند؛ آن هم جامعه منتخب است. گام‌های انجام پیمایش کیفی به‌صورت زیر است:

نمونه‌گیری. یک نمونه‌گیری کیفی باید تنوع پدیده مورد مطالعه را در جامعه هدف نشان دهد. این می‌تواند به‌وسیله نمونه‌گیری تصادفی بزرگ حاصل شود، ولی این روش زیاد کارآمد نیست. یک راه منطقی و بسیار کارآمد این است که با انتخاب هدف‌دار یک نمونه تنوع با هدف تا همه تفاوت‌های موجود پدیده‌ها تحت پوشش قرار گیرد (اشباع). هرچه اشباع به نوع و درجه تنوع بستگی داشته باشد، متناسب قضاوت می‌کند. در یک پیمایش کیفی، اشباع یک مسئله تجربی است، برخلاف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد که مسئله‌ای نظری است. هدف این نیست که مفاهیم به‌طور جامع برای یک حوزه نظری به جزئیات تفصیل داده شوند (یعنی همه احتمالات نظری پوشش داده شوند)، بلکه هدف این است که تنوع مرتبط (از نظر اهداف) در یک جامعه

که به صورت تجربی تعریف شده را پوشش دهد که ممکن است فقط شامل تعداد کوچکی از واحدها باشد (مثل یک کلاس در مدرسه) (Jonsen, 2010: 1).

جمع‌آوری داده‌ها. روش‌های جمع‌آوری داده توسط طرح مطالعه یا نوع داده‌ای که باید جمع‌آوری شود، محدود نمی‌شود. ممکن است هر دو پیمایش کیفی و آماری داده‌ها را به وسیله پرسش از مردم جمع‌آوری کنند که نوع غالب پیمایش است. همچنین با مشاهده تعاملات یا مصنوعات در هر وضعیت نیز داده جمع‌آوری می‌کنند. فنون مختلفی اعم از مصاحبه برای جمع‌آوری داده‌ها در پیمایش کیفی قابل استفاده است.

تجزیه و تحلیل. اکثر تحلیل‌های پیمایش کیفی استقرایی هستند، با این وجود، نه تکراری و چندمنبعی و نه از لحاظ نظری چندان خبره و ماهر نیستند. اول از همه، پیمایش کیفی یک طرح پژوهش ساده است، نه برای مطالعه ساختارها و فرایندهای اجتماعی، بلکه برای مطالعه تنوع در یک جامعه است. ممکن است یک یا چند پیمایش کیفی به‌ویژه در مراحل ابتدایی آن بخشی از یک پروژه GT باشد، در ادبیات کیفی، سطوح مختلف تحلیل برحسب عمق از توصیف سطحی تا تفسیر نظری طبقه‌بندی شده است یا اینکه برحسب فاصله از داده‌ها تا دستاورد به‌وسیله مراحل تجمعی از تبدیل داده‌ها دسته‌بندی می‌شود (نیومن، ۱۳۹۲: ۲۲۵؛ Jonsen, 2010: 9).

۲. گام‌های پژوهش حاضر مبتنی بر ادبیات حکمرانی پژوهش و روش پیمایش کیفی

بر اساس آنچه در ادبیات حکمرانی پژوهش و روش پیمایش کیفی گفته شده، برای انجام این پژوهش، پنج گام طراحی شده بود که پژوهشگران آنها را طی کرده‌اند و در ادامه گزارشی از فرایند اجرای روش پژوهش در جهت حل مسئله پژوهش حاضر ارائه می‌شود.

۲-۱. گام اول: بررسی اسناد و مدارک و مرور نظام‌مند پیشینه پژوهش

به‌منظور صورت‌بندی الگوی مفهومی و چارچوب تحلیلی تحقیق، ادبیات موضوع پژوهش با کلیدواژه‌های حکمرانی علم، حکمرانی پژوهش، حکمرانی علوم اجتماعی و غیره جستجو و مطالعه شدند. طراحی الگوی مفهومی برای پژوهش کمک می‌کند که پژوهشگر با پرسش و آشنایی کامل از زمینه مطالعاتی خاص سراغ گردآوری داده‌ها برود و در این پژوهش نیز، دستاوردهای حاصل مطالعه پیشینه پژوهش زمینه را برای گردآوری اطلاعات و مصاحبه‌های عمیق فراهم کرد؛ به‌طوری‌که با در دست داشتن چارچوب مفهومی موجود در ادبیات علمی حکمرانی پژوهش در علوم انسانی، پرسش‌ها و فضای کلی مصاحبه‌ها سازمان‌دهی شدند.

۲-۲. گام دوم: مصاحبه غیر ساختار یافته با متخصصان و خبرگان

در طی پژوهش پس از مطالعه نظام‌مند پیشینه پژوهش در باب حکمرانی پژوهش، با مراجعه به سازمان‌ها و صاحب‌نظران علمی و اجرایی، در جهت شناخت ابعاد و آسیب‌های نظام پژوهش علوم انسانی در ایران، مصاحبه‌ها انجام شدند. مصاحبه‌های انجام شده عموماً با اشخاصی بوده است که درگیری اجرایی بسیار نزدیک با نظام پژوهش ایران داشته‌اند. در این پژوهش سعی شد که از نزدیک تمامی سازمان‌های سیاست‌گذار درگیر موضوع مورد بررسی قرار گیرد، از این‌رو با حضور در سازمان‌هایی مثل ستاد راهبری اجرایی نقشه جامع علمی کشور در شورای عالی انقلاب فرهنگی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، دبیرخانه شورای عالی عتف، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مرکز پژوهش‌های مجلس و غیره با برخی صاحب‌نظران و مسئولان اجرایی آنها مصاحبه به عمل آمد. خبرگان این عرصه با روش گلوله برفی و با استفاده از مصاحبه‌شوندگان شناسایی می‌شدند و مورد مصاحبه قرار می‌گرفتند. لازم به ذکر است تا جایی مصاحبه‌ها ادامه داده شدند که یافته‌ها به اشباع رسیده (با توجه به جنس اشباع نظری که در بخش قبلی در نمونه‌گیری پیمایش کیفی توضیح داده شد) و در مصاحبه دهم به بعد تقریباً نکات جدیدی در مصاحبه‌ها مطرح نمی‌شد.

۲-۳. گام سوم: شناسایی چارچوب موجود حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به آنچه در مرحله تحلیل داده‌ها در پیمایش کیفی اشاره شده است، تحلیل استقرایی داده‌های به دست آمده، شیوه غالب تحلیل‌ها در پیمایش کیفی را تشکیل می‌دهند؛ لذا در این گام، داده‌ها با استفاده از فن تحلیل مضمون، تحلیل شدند. به‌طور کلی روش‌های تحلیل کیفی را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: یک دسته روش‌هایی هستند که عمدتاً از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی نشئت می‌گیرند مانند تحلیل محاوره و تحلیل پدیدارشناسی تفسیری که به‌کارگیری آنها تنوع نسبتاً محدودی دارد. برخی از این روش‌ها نیز مانند نظریه داده‌بنیاد از چارچوب نظری کلانی بهره می‌برد.

دسته دوم، روش‌هایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی هستند و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی می‌توان از آنها استفاده کرد. تحلیل مضمون در این دسته جای می‌گیرد؛ از این‌رو ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده کرد (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

در این گام سه مرحله کدگذاری انجام شد؛ مرحله نخست کدگذاری اولیه بود که در آن مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها تحت عناوین و کدهای انتزاعی‌تر آورده شد؛ در این مرحله که کدگذاری باز نیز نامیده می‌شود، سعی شد که عین بیانات مصاحبه‌شوندگان در قالب گزاره‌های خبری آورده شود. در مرحله بعد با کدگذاری انتخابی، مقولات حاصل از کدگذاری اولیه با عنوان مقولات سطح یک، به همدیگر مرتبط شدند و درنهایت با کدگذاری محوری، عناصر نظام پژوهش علوم انسانی ایران و آسیب‌های آن حاصل شدند که در بخش یافته‌ها (در جدول تجمیع کدگذاری به صورت جداگانه) آمده است. نظام حکمرانی پژوهش در علوم انسانی ایران را بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:



نظامات مرتبط با پژوهش
اسم از آموزش، موردی و ...

جنبه حکمرانی

فرهنگ و محیط پژوهش
اسم از فرهنگ کلی جامعه و ...

برون داد:

انواع:

۱. کسب، عقلا، پایانه
۲. مجامع و کرسی‌های علمی
۳. طرح‌های پژوهشی
۴. حل مسائل جامعه

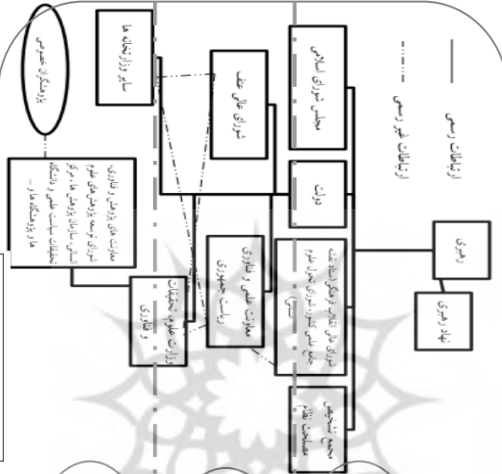
درون داد:

انواع:

۱. منابع مالی
۲. منابع انسانی
۳. منابع اطلاعاتی
۴. نیازهای جامعه

باز داد:

انواع: ۱. اثرات کوتاه‌مدت ۲. اثرات بلندمدت



منابع کلان یا سیاستگذاری
انواع: مکتوب، شفاهی و غیرمکتوب

منابع مالی یا مدیریت
انواع: دستورات، اعتبارات و ...

منابع خبری یا معرفت
انواع: شبکه‌های پژوهشی، مؤسسات و ...

۴-۲. گام چهارم: اعتباربخشی به آسیب‌ها و خلأهای شناسایی‌شده با استفاده از نظرات خبرگان مبتنی بر راهبرد نمونه‌آوری از نظرات خبرگان در پرسشنامه‌های نهایی

در این مرحله، یافته‌های پژوهش در قالب یک پرسشنامه برای اعتباربخشی به خبرگان این عرصه، عرضه شد. پرسشنامه شامل ۶۷ آسیب از مهم‌ترین آسیب‌ها بر اساس میزان تکرار و بررسی با روش مقایسه‌ای مستمر آنها است. پس از ۴۵ پرسشنامه ارسالی، ۲۸ پرسشنامه جمع‌آوری و تحلیل شد و نتایج نهایی نیز از این طریق اعتباربخشی شدند. لازم به ذکر است که گروه هدف برای اعتباربخشی، شامل ۲۸ نفر از شخصیت‌های دانشگاهی و اجرایی کشور در زمینه حکمرانی پژوهش بودند؛ به‌گونه‌ای که ۲۳ نفر از آنها مرد و ۵ نفر زن بودند. همچنین از این ۲۸ نفر، ۷ نفر عضو هیئت‌علمی دانشگاه و مؤسسات پژوهشی و شاغل در مناصب مدیریتی در عرصه نظام علمی کشور (اعم از وزارت علوم و غیره)، ۳ نفر دانشجوی دکتری در حوزه خط‌مشی‌گذاری علم و فناوری و حوزه‌های مرتبط به حکمرانی پژوهش و ۱۸ نفر کارشناسان ارشد با مدرک دکتری در سازمان‌های مرتبط با حکمرانی پژوهش (که در گام دوم به آنها اشاره شد) بودند. ضمناً شایان ذکر است که آلفای کرونباخ حاصل از پرسشنامه نیز برای سنجش پایایی به‌وسیله نرم‌افزار Spss به دست آمد و نشان‌دهنده میزان زیاد پایایی این پرسشنامه است:

Reliability Statistics

Cronbach's Alpha	N of Items
963	67

یافته‌ها. بر طبق آنچه از تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده برای شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی ایران به دست آمد، می‌توان چندین بخش را برای احصای آسیب‌ها برشمرد. چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در جمهوری اسلامی ایران از چهار بخش اصلی تشکیل شده است که سه بخش آن، در کنار هم معنی پیدا می‌کنند که عبارتند از: درونداد، فرایندها یا جعبه حکمرانی، برون‌داد و بازداد، کلیت نظام، فرهنگ و محیط پژوهش، نظامات مرتبط با پژوهش. حال برای هر کدام از این بخش‌های نظام حکمرانی پژوهش، آسیب‌هایی ذکر شده است که در نگاره شماره (۳) ارائه می‌شود. در این نگاره علاوه‌بر ذکر آسیب‌های هر بخش، نوعی تحلیل آماری ثانویه هم مبتنی بر نظر خبرگان برای اعتباربخشی یافته‌ها، انجام شده است.

پس از استخراج آسیب‌های حکمرانی پژوهش در علوم انسانی ایران، باید صحت و وسقم آن از طریق جمع‌آوری نظرات خبرگان سنجیده شود؛ بدین منظور پرسشنامه‌ای تهیه شد که حاوی مهم‌ترین آسیب‌های مطرح‌شده توسط خبرگان اولیه است. برای اعتباربخشی به یافته‌های مرحله نخست، باید خبرگان نظرات خود را درباره میزان اهمیت آسیب‌ها را ذکر می‌کردند. لازم به ذکر است که آسیب‌های موجود در پرسشنامه بر اساس میزان تکرار در صحبت‌های خبرگان و کلیدی بودن آنها درجه‌بندی شده است که در نهایت از بین حدود ۲۵۰ آسیب ذکرشده، ۶۷ آسیب برای نظرخواهی از خبرگان ثانویه به ایشان عرضه شد. داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها مورد تحلیل آماری قرار گرفتند که نمونه‌ای از آن در نگاره زیر آمده است:

نگاره شماره (۳) - میانگین و انحراف معیار حاصل از داده‌های جمع‌آوری شده

(آسیب‌ها) از طریق پرسشنامه

عرضه آسیب	ردیف	آسیب‌های مستخرج	میزان پاسخ‌ها	میانگین	انحراف معیار	واریانس
کلینت نظام	۱	اعتقاد به ناکارآمدی یا عدم احساس نیاز به پژوهش‌های علوم انسانی در دستگاه‌های اجرایی و اداری تصمیم‌گیری‌ها و غیره	۲۸	۵,۷۵۰۰	۱,۴۳۰۴۹	۲,۰۴۶
	۲	عدم توازن در بین حوزه‌های مختلف علوم انسانی	۲۸	۵,۳۹۲۹	۱,۰۶۵۹۵	۱,۱۳۶
		همگن‌انگاری همه رشته‌های علوم انسانی	۲۷	۴,۸۸۸۹	۱,۶۷۱۷۹	۲,۷۹۵
	۴	عدم توانایی طراحی شاخص در ارزیابی پژوهش‌های علوم انسانی	۲۸	۵,۰۷۱۴	۱,۹۴۲۲۹	۳,۷۷۲
	۵	نبود انسجام در سه لایه سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرای تحقیقات در ایران و ناکارآمدی شورای عتف در این زمینه تاکنون	۲۸	۶,۰۳۵۷	۱,۱۷۰۰۶	۱,۳۶۹
	۶	عدم سازگاری نظام سیاسی و نهاد قدرت کشور با نظام پژوهش و علم	۲۷	۵,۰۷۴۱	۱,۸۵۸۹۹	۳,۴۵۶
	۷	ارتباطات ضعیف بین‌المللی در علوم انسانی و عدم آشنایی با مسائل روز	۲۸	۵,۰۰۰	۱,۸۶۵۸۷	۳,۴۸۱

۳,۷۲۹	۱,۹۳۱۰۲	۴,۱۰۷۱	۲۸	نبود اعتبارات ویژه در دانشگاه‌ها برای علوم انسانی	۸	درون داد
۴,۴۷۱	۲,۱۱۴۴۵	۴,۲۱۴۳	۲۸	عدم تخصیص بودجه مناسب برای علوم انسانی توسط دولت و عدم پاسخگویی پروژه‌های خرد در تأمین مالی پژوهش علوم انسانی	۹	
۲,۹۹۹	۱,۷۳۱۶۷	۴,۹۶۴۳	۲۸	کم‌بودن سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی	۱۰	
۲,۶۶۶	۱,۶۳۲۸۴	۴,۸۸۴۶	۲۶	بسیار اندک بودن تأمین مالی خیریه و وقت در ایران	۱۱	
۲,۸۷۲	۱,۶۹۴۶۴	۵,۱۱۱۱	۲۷	مشکل تأمین مالی دولتی علوم انسانی: متأثر شدن پژوهش‌ها از سیاست‌ها و رویکردهای سیاسی دولت	۱۲	
۲,۴۹۷	۱,۵۸۰۳۰	۵,۱۴۲۹	۲۸	عدم عدالت مالی در امر پژوهش کشور و میزان فساد بالا در عرصه پژوهش و نرسیدن منابع مالی پژوهش به دست پژوهشگر واقعی	۱۳	
۲,۳۱۲	۱,۵۲۰۵۸	۵,۳۵۷۱	۲۸	عدم دسترسی به برخی منابع اطلاعات اجتماعی مؤثر در پژوهش‌های علوم انسانی به بهانه محرمانه بودن	۱۴	
۳,۰۷۳	۱,۷۵۲۹۳	۴,۴۶۴۳	۲۸	ضعف منابع اطلاعاتی در ایران اعم از اینترنت فیلترشده و غیره	۱۵	
۲,۸۸۴	۱,۶۹۸۱۲	۵,۰۷۱۴	۲۸	ورودی ضعیف و خلأ نیروهای بااستعداد در علوم انسانی ایران و مهاجرت مهندسان به علوم انسانی	۱۶	
۱,۹۳۰	۱,۳۸۹۲۱	۵,۶۷۸۶	۲۸	وجود نگاه‌های مهندسی در سیاست‌گذاری علوم انسانی و همگن انگاری مدیریت علوم انسانی در نظام ارتقا و... با علوم مهندسی	۱۷	
۱,۵۸۲	۱,۲۵۷۷۸	۵,۷۸۵۷	۲۸	چندگانگی در لایه سیاست‌گذاری و عدم متولی واحد خاص در عرصه پژوهش‌های علوم انسانی	۱۸	
۲,۱۳۸	۱,۴۶۲۰۴	۵,۷۱۴۳	۲۸	ضعف شدید شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای تحول در علوم انسانی و عدم توجه به ظرفیت‌های علوم انسانی کشور	۱۹	
۲,۱۵۲	۱,۴۶۷۰۱	۵,۸۲۱۴	۲۸	برخورد شعاری مسئولان علوم انسانی در کشور با آن	۲۰	
۱,۴۶۲	۱,۲۰۸۹۴	۵,۶۶۶۷	۲۷	عدم نظارت بر پژوهش‌ها در پژوهشگاه‌ها یا ارزشیابی با معیارهای غلط و ناقص	۲۱	
۲,۰۱۱	۱,۴۱۸۲۴	۵,۶۲۹۶	۲۷	مشکل در تعیین اولویت‌های پژوهش در علوم انسانی و کلی بودن اولویت‌گذاری نقشه جامع	۲۲	

سطح سیاست‌گذاری

۲۳	ناکارآمدی سیاست‌های پژوهشی در سوق پژوهش‌ها به بازار	۲۷	۵,۳۷۰۴	۱,۵۴۷۹۱	۲,۳۹۶
۲۴	عدم اجرای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط وزارت علوم و عدم ایجاد رابطه پاسخگویی وزارت علوم به شورای عالی انقلاب فرهنگی به علت نبودن بودجه وزارت در دست شورا	۲۸	۴,۶۰۷۱	۱,۴۷۴۲۱	۲,۱۷۳
۲۵	تغییر سریع قوانین و مقررات در سطح سیاست‌گذاری پژوهش	۲۸	۴,۸۵۷۱	۱,۴۵۸۴۲	۲,۱۲۷
۲۶	عدم موفقیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه سیاست‌گذاری پژوهش‌های علوم انسانی به دلیل نداشتن مهارت کافی سیاست‌گذاری یا عدم استفاده صحیح از ابزارهای اعمال سیاست	۲۸	۵,۳۹۲۹	۱,۴۲۳۰۷	۲,۰۲۵
۲۷	نبود چشم‌انداز، اهداف کلان و راهبردها خاص در زمینه تولید علم و فناوری برای حل مشکلات جامعه	۲۸	۵,۵۳۵۷	۱,۵۲۷۰۹	۲,۳۳۲
۲۸	ارزشیابی ذره‌ای و فردگرایانه و نه در جهت حل مسئله	۲۶	۵,۳۰۷۷	۱,۴۰۷۶۷	۱,۹۸۲
۲۹	پژوهشگرمحوری تخصیص بودجه در پروژه‌های علوم انسانی و تخصیص بر اساس شخصیت مجری و نه بر اساس استانداردها	۲۸	۵,۴۲۸۶	۱,۴۷۶۴۵	۲,۱۸۰
۳۰	سردرگم بودن کارفرما به علت استاندارد نبودن چارچوب پروپوزال‌های مختص علوم انسانی	۲۸	۴,۹۶۴۳	۱,۲۰۱۳۰	۱,۴۴۳
۳۱	نبود مدیریت حرفه‌ای در سیاست‌گذاری و مدیریت علوم انسانی و عدم آشنایی مدیران به پژوهش‌های انسانی از حیث چرخه، اقتضائات و اجزای آن و ارتباط بین اجزا	۲۷	۵,۵۹۲۹	۱,۰۰۹۹۲	۱,۰۲۰
۳۲	تزلزل در سطح مدیریت و مشخص نبودن کارهای وزارت علوم	۲۷	۵,۲۹۶۳	۱,۰۶۷۵۲	۱,۱۴۰
۳۳	متغیر بودن مدیران پژوهشی در کشور و تغییر سیستم‌های پژوهشی با آمدن و رفتن آدم‌ها در پست‌ها و عدم رسیدن به اهداف به این دلیل	۲۸	۵,۶۰۷۱	۱,۰۶۵۹۵	۱,۱۳۶
۳۴	ضعف لایه مدیریتی: عدم ترجمه سیاست‌های دولت به زبان طرح‌های پژوهشی	۲۸	۵,۵۷۱۴	۱,۲۵۹۸۸	۱,۵۸۷

سطح مدیریت

۱,۰۳۲	۱,۰۱۵۷۵	۵,۹۲۸۶	۲۸	عدم شفافیت در طرح‌های انجام‌شده و تکراری بودن اکثریت	۳۵	سطح مجریان
۲,۳۰۰	۱,۵۱۶۶۶	۵,۶۷۸۶	۲۸	عدم داوری خوب در نشریه‌های علمی و در نتیجه زیاد شدن تقلب علمی	۳۶	
۱,۰۴۱	۱,۰۲۰۳۰	۵,۸۲۱۴	۲۸	تبدیل ورودی‌های انسانی با انگیزه نظام پژوهشی به کارمند پژوهشگر و پرکردن ساعات اداری	۳۷	
۱,۱۷۵	۱,۰۸۳۷۹	۵,۷۱۴۳	۲۸	نبود نظام ارزیابی عملکرد در سه سطح دانشگاهی، بخشی و ملی و فردی بودن تمامی ارزیابی‌های موجود	۳۸	
۰,۷۷۶	۰,۸۸۱۱۷	۶,۰۳۵۷	۲۸	درگیری شدید برخی اساتید به ارتقا و عدم توجه به کار علمی و پژوهش بر اساس انگیزه‌های ارتقا و غیره	۳۹	
۲,۶۸۳	۱,۶۳۷۸۵	۵,۳۵۷۱	۲۸	نگاه زیاد به خارج از کشور توسط پژوهشگران علوم انسانی و مصرف‌کننده بودن علمی تولیدات غرب	۴۰	
۱,۹۶۳	۱,۴۰۱۰۶	۵,۵۰۰۰	۲۸	عدم مسئولیت‌پذیری استاد و دانشجو در قبال پژوهش انجام‌شده	۴۱	
۱,۳۱۲	۱,۱۴۵۵۰	۶,۱۴۲۹	۲۸	مشکل درونی پژوهش: مسئله‌محور نبودن پژوهش‌ها	۴۲	
۱,۴۸۷	۱,۲۱۹۵۰	۵,۸۸۸۹	۲۷	پول نفت (برای پوشاندن اشتباهات مدیران) عامل بی‌توجهی بدنه سیاست‌گذاری کشور به پژوهش و خرج نکردن برای پژوهش به‌منظور یافتن راه صحیح اقدام	۴۳	
۰,۹۴۹	۰,۹۷۴۰۲	۵,۵۵۵۶	۲۷	تقلیدی بودن برخی فعالیت‌ها، مغفول ماندن برخی کارها، وجود معایب و وجود همپوشانی‌ها	۴۴	
۱,۱۲۳	۱,۰۵۹۴۸	۵,۷۴۰۷	۲۷	مهم‌شدن و هدف‌شدن خود پژوهش به‌جای وسیله‌بودن آن برای حل مسائل	۴۵	
۱,۶۴۴	۱,۲۸۲۱۴	۵,۴۸۱۵	۲۷	آسیب پژوهش‌های دانشگاهی اعم از نبود مکتب علمی در دانشگاه‌های ایران و در نتیجه نبود تقسیم کار مکتبی	۴۶	
۲,۲۶۹	۱,۵۰۶۱۶	۵,۲۵۰۰	۲۸	عدم رقابت در بین پژوهشگران و گروه‌های دانشگاهی و ...	۴۷	
۱,۹۸۹	۱,۴۱۰۴۷	۵,۲۸۵۷	۲۸	ضعف شدید در طراحی پژوهش و عدم پیروی از استانداردهای جهانی	۴۸	
۳,۱۴۳	۱,۷۷۲۸۱	۵,۴۲۸۶	۲۸	سیاسی و ایدئولوژیک شدن تولیدات علوم انسانی در کشور	۴۹	برونداد

۳,۵۴۶	۱,۸۸۳۱۲	۴,۸۸۴۶	۲۶	عدم کارایی و بی نتیجه بودن طرح های اقتصاد مقاومتی، مدیریت اسلامی و امثال آن در عین حال تصویب مبالغ کلان برای آنان	۵۰	
۱,۱۲۷	۱,۰۶۱۶۰	۵,۶۴۲۹	۲۸	پراکنده کاری ها در تولیدات و عدم تولید بر اساس نقشه واحد	۵۱	
۱,۲۴۲	۱,۱۱۴۵۲	۵,۳۷۰۴	۲۷	عدم کاربست یافته های پژوهش به جز در موارد محدود (حدود ۱۰ درصد) یا پژوهش های سفارشی و عدم تبلیغات مناسب برای تجاری سازی دستاوردها	۵۲	
۱,۳۵۸	۱,۱۶۵۵۳	۵,۸۹۲۹	۲۸	عدم توجه به مشتری در پژوهش های علوم انسانی	۵۳	
۱,۲۸۴	۱,۱۳۳۳۱	۵,۸۹۲۹	۲۸	نبود نتایج روشن با وجود حجم زیاد پژوهش ها	۵۴	
۰,۸۷۲	۰,۹۳۳۷۰	۵,۷۷۷۸	۲۷	معدود بودن تعداد پایان نامه های مأموریت گرا	۵۵	
۱,۲۷۶	۱,۱۲۹۷۶	۵,۷۴۰۴	۲۷	نبود اهداف حل مسئله در پژوهش ها	۵۶	
۱,۵۷۳	۱,۲۵۴۳۳	۵,۶۴۰۰	۲۵	فارغ التحصیلان بیکار و بی انگیزه و سربار جامعه به علت تربیت نشدن آنان برای جامعه کنونی	۵۷	
۲,۶۳۵	۱,۶۲۳۳۷	۵,۴۰۷۴	۲۷	تأثیر اختلاف بنیادی پژوهشگران روی مدیران و عدم اعتماد آنان به پژوهش های علوم انسانی	۵۸	
۱,۵۲۸	۱,۲۲۶۰۳	۵,۷۵۰۰	۲۸	نبود بازخورد در سیستم پژوهش	۵۹	
۱,۴۲۳	۱,۱۹۳۰۱	۵,۶۴۲۹	۲۸	کیفیت پایین پژوهش ها در اثر عدم توجه جدی به آن	۶۰	باز داد
۲,۰۱۶	۱,۴۱۹۸۱	۵,۶۴۲۹	۲۸	تجزیاتی و تشریفاتی بودن تشکیلات پژوهش در کشور ما	۶۱	
۲,۲۲۶	۱,۴۹۲۰۴	۵,۳۲۱۴	۲۸	کم بودن ارزش و اعتبار پژوهشگران در پژوهش ایران نسبت به اعتبار پژوهشگران غربی و شرقی در نظام پژوهشی کشور	۶۲	
۱,۹۸۹	۱,۴۱۰۴۷	۵,۲۸۵۷	۲۸	عدم اعتماد به نفس و غربزدگی	۶۳	
۱,۳۵۸	۱,۱۶۵۵۳	۵,۶۰۱۷	۲۸	نبود روحیه نقد پذیری در علوم انسانی ما برخلاف غرب	۶۴	
۲,۴۸۱	۱,۵۷۵۲۷	۵,۵۰۰۰	۲۸	مقدم شدن اغراض سیاسی و مالی بر روش های عقلانی و پژوهش	۶۵	فرهنگ و محیط پژوهش

نظامات مرتبط با پژوهش	۶۶	کم‌رنگ بودن جایگاه پژوهش در نظام آموزشی ما	۲۸	۵,۸۹۲۹	۱,۰۶۵۹۵	۱,۱۳۶
	۶۷	درگیر نبودن دانشجو به مسائل از همان ابتدای دانشجویی، به‌عنوان مثال اگر کسی در ایران اقتصاد بخواند، درگیر مسائل اقتصاد ایران نخواهد بود.	۲۷	۶,۷۴۱	۰,۸۷۳۸۰	۰,۷۶۴

با توجه به آنچه در تحلیل آماری پرسشنامه‌ها حاصل شد، الگوی نهایی با پذیرش اکثریت خبرگان مورد تأیید قرار گرفته و خبرگان با همه آسیب‌های احصاشده موافقت کردند. آسیب ۴۲ یعنی «مشکل درونی پژوهش: مسئله‌محور نبودن پژوهش‌ها» بیشترین موافقت خبرگان را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر آسیب‌های ۶۷: «درگیر نبودن دانشجو به مسائل از همان ابتدای دانشجویی، برای مثال اگر کسی در ایران اقتصاد بخواند، درگیر مسائل اقتصاد ایران نخواهند بود»، آسیب ۵: «نبود انسجام در سه لایه سیاست‌گذاری، مدیریت و اجرای تحقیقات در ایران و ناکارآمدی شورای عتف در این زمینه تاکنون» و آسیب ۳۹: «درگیری شدید برخی اساتید به ارتقا و عدم توجه به کار علمی و پژوهش بر اساس انگیزه‌های ارتقا و غیره» دارای میانگین موافقت‌های بالای خبرگان هستند که در این بین آسیب ۶۷ و ۳۹ به ترتیب دارای انحراف معیار کمتری از سایر آسیب‌ها هستند. پس مهم‌ترین آسیب‌ها به محدوده محیط نزدیک پژوهش یا همان نظامات مرتبط با پژوهش و سطح مجریان پژوهش برمی‌گردد. از طرف دیگر آسیب‌های ۸: «نبود اعتبارات ویژه در دانشگاه‌ها برای علوم انسانی» و آسیب ۹: «عدم تخصیص بودجه مناسب برای علوم انسانی توسط دولت و عدم پاسخگویی طرح‌های خرد در تأمین مالی پژوهش علوم انسانی» کمترین نمره میانگین موافقت‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

فرجام

پژوهش ثمره اندیشه است و در جامعه‌ای که اندیشیدن بهایی نداشته باشد، پژوهش هم دچار بی‌مهری خواهد شد. آنچه پژوهشگر در طی این پژوهش بدان نائل شده است، نشان از کم‌توجهی به پژوهش، به‌ویژه پژوهش‌های علوم انسانی در ایران دارد. پژوهش در بهترین حالت خود به یک فعالیت لوکس و تجملاتی تبدیل شده است که هر مدیری برای حفظ اعتبار علمی خودش در کنار کارهای روزمره، پژوهش‌هایی هم انجام می‌دهد؛ ولی بدون توجه به اینکه پژوهش برای چیست؟ چگونه انجام می‌شود؟ چه کسی شایسته انجام آن است؟ و ده‌ها پرسش بی‌پاسخ دیگر. پژوهشگر در ابتدای پژوهش حاضر نمی‌دانست که برای فهم نظام و آسیب‌های پژوهش در علوم انسانی باید سراغ چه مسئول و مقام اجرایی برویم و در پایان پژوهش مشخص

شد که نظام علوم انسانی در سطح سیاست‌گذاری دچار تعدد بسیار بالایی از سیاست‌گذاران است که بالطبع پاسخ‌گویی، حل مسئله توسط آنها و مطالبات دقیق از این سازمان‌ها را درباره نظام پژوهش در علوم انسانی منتفی خواهد کرد.

پژوهش‌های علوم انسانی به‌مثابه نان شب اجتماعات انسانی است، ولی در جامعه ایرانی ارزش آن بسیار تقلیل یافته (رجوع کنید به مصاحبه‌های انجام‌شده، نظر همه خبرگان این پژوهش بر این است)، ولی درعین حال در برخی زمینه‌های جوانه‌های امید می‌درخشد. اندیشه را نمی‌توان با بخشنامه و آیین‌نامه‌های بالا به پایین و با قوه تنظیمی بسیار بالا در یک مسیر قرار داد یا از مسیری جدا کرد، از طرف دیگر حاکمیت نمی‌تواند برای آن برنامه‌ای نداشته و آن را رها کند. مدیریت، حکمرانی یا سیاست‌گذاری پژوهش از سنخ مدیریت بر اندیشه و بالطبع مدیریت قلب‌هاست و نظامات حکمرانی افقی و غیرمتمرکز در آن متمرکز است؛ زیرا با اندیشه‌های پژوهشگران کار دارد و پژوهش (از انتخاب موضوع برای پژوهیدن تا انتشار نتایج پژوهش) حاصل اندیشه است.

در چارچوب حکمرانی پژوهش، همه اجزا به همدیگر مرتبط هستند، یعنی ورودی‌های منابع انسانی ضعیف در اثر عدم اثربخشی تولیدات، عدم سیاست‌گذاری صحیح و عدم اجرای صحیح پژوهش‌ها بوده است و خود این ضعف در سیاست‌گذاری و مدیریت و اجرا موجب ورودی‌های ضعیف خواهد شد و این چرخه با همین منابع ورودی ضعیف ادامه خواهد داشت.

در اکثر دستگاه‌های اجرایی نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های علوم انسانی در موازات سایر کارهای بوروکراتیک قوای نظام قرار گرفته است و هیچ هویت متمایز و قابل‌اتکایی ندارد؛ از طرف دیگر با توجه به وجود پول نفت در ایران، سیاست‌گذار و مقام اجرایی برای حل مشکلات به فکر پژوهش و حل مسائل از آن طریق نمی‌افتد و هیچ احساس نیازی به آن ندارد؛ لذا شاهد یک شکاف عمیق بین حل مسائل جامعه و تشکیلات پژوهش در جامعه ایرانی هستیم و همین امر موجب می‌شود تا نخستین جایی که از کمبود بودجه دولتی متأثر می‌شود، تشکیلات پژوهش در ایران باشد. پژوهش هنوز در ایران جایگاه خودش را نیافته است؛ یعنی ممکن است در مواجهه با این پرسش که جایگاه پژوهش‌های علوم انسانی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کجاست؟ پاسخ ایجابی صحیحی داشته باشیم که جایگاه آن در الگوی مطلوب معلوم باشد، ولی در جامعه کنونی بیگانگی جامعه از پژوهش اجتماعی در اوج خودش قرار دارد. در نظام پژوهش ایران، اغراض و منافع سیاسی نقش بسیار مهمی از جهت تأثیرگذاری بر تصمیمات این حوزه را دارد؛ به‌طوری‌که علاوه بر پژوهش، دیگر وظایف سیاست‌گذار را نیز تحت

تأثیر قرار می‌دهد و این نشان از یک وضعیت مدیریت نشده از سازوکارهای رفع تعارض منافع است.

با توجه به ماهیت خاص پژوهش که در بالا ذکر شد، در جامعه نمی‌توان پژوهشگران را مجبور ساخت تا پژوهش‌های خاصی انجام دهند یا حتی نمی‌توان با توصیه‌های مکرر به پژوهشگران، آنها را تشویق به پژوهش در حوزه‌های خاصی کرد. آنچه باید شکل بگیرد، سازوکارهایی به‌منظور حکمرانی دقیق پژوهش در جامعه است. سازوکارهایی که در اثر آنها پژوهش در جایگاه اصلی خود نسبت با جامعه قرار خواهد گرفت. حال این سازوکارها در چه سطحی هستند؟ دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ از چه جنسی (اعم از قانون، نهاد، سیاست و فرهنگ و غیره) هستند؟ چگونه عمل خواهند کرد؟ نیازمند پژوهش‌های مجزایی خواهد بود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

در این پژوهش، توصیفی از چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی در ایران و آسیب‌های آن ارائه شد. همان‌طور که پژوهش‌های توصیفی گام آغاز برای انجام پژوهش‌های تجویزی هستند؛ پژوهش حاضر نیز می‌تواند بستری برای برخی پژوهش‌های مهم آتی درباره نظام پژوهش علوم انسانی ایران باشد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین پیشنهاد‌های پژوهشی آتی اشاره خواهیم کرد.

پیشنهاد‌های پژوهشی دسته نخست درباره طراحی چارچوب حکمرانی پژوهش علوم انسانی مطلوب برای ایران است؛ زیرا با توجه با شناخت حاصل‌شده کنونی از شیوه کار و آسیب‌های موجود در نظام پژوهش ایران، برای بهبود آن نیازمند پژوهش‌هایی در طراحی الگوی مطلوب خواهیم بود.

پیشنهاد‌های پژوهشی دسته دوم درباره شناخت اجزای مختلف چارچوب حکمرانی پژوهش و ارائه الگوهای تجویزی است؛ این اجزا عبارتند از: تأمین مالی پژوهش، نظام انگیزش پژوهش، نظام سیاست‌گذاری و مدیریت پژوهش، نظام ارزیابی عملکرد پژوهش، فرهنگ و محیط پژوهش و غیره.

پیشنهاد‌های پژوهشی دسته سوم نیز پژوهش‌های بنیادین در شناخت ماهیت پژوهش علوم انسانی و چگونگی حکمرانی آن با توجه به معارف اسلامی است.

پیشنهاد‌های سیاستی

با توجه به اینکه پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی در شناسایی و آسیب‌شناسی چارچوب حکمرانی پژوهش در علوم انسانی است، انتظار ارائه پیشنهاد‌های سیاستی از آن در حد همان توصیف انجام‌شده خواهد بود.

پیشنهاد می‌شود که نهادهای سیاست‌گذاری علوم انسانی، عرصه حکمرانی پژوهش علوم انسانی را یک امر جدی در نظر بگیرند و توجه وافری نسبت به آن داشته باشند، آسیب‌های مستخرج را مدنظر قرار داده و در جهت رفع آنها بکوشند و الگوی ارائه‌شده در پژوهش حاضر را سرلوحه تصمیمات و اقدامات سیاستی قرار دهند.

پی‌نوشت:

(۱) در یک بیان دیگر، مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «امروز که ما در هر اجتماع دانشگاهی و دانشجویی شرکت می‌کنیم، می‌بینیم صحبت نهضت تولید علم و نهضت نرم‌افزاری را خیلی خوب تکرار می‌کنند؛ این حالا به یک عرفی تبدیل شده است. اما حالا باید ما به معنای حقیقی کلمه، این را دنبال کنیم که تحقق پیدا کند. علم را باید برویانیم؛ این چیزی نیست که بدون مدیریت‌کردن و سرمایه‌گذاری، به‌خودی‌خود به‌طور مطلوب صورت بگیرد» (۲۳ مرداد ۱۳۸۵ در دیدار با رؤسای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی).

منابع فارسی

- الوانی، مهدی و محسن علیزاده‌ثانی (۱۳۸۶)، «تحلیلی بر کیفیت حکمرانی خوب در ایران»، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، شماره ۵۳: ۲۴-۱.
- حاجی‌حسینی، حجت‌اله، مهدی محمدی، فرهاد عباسی و مهدی الیاسی (۱۳۹۰)، «تحلیل حکمرانی نظام نوآوری ایران بر پایه چرخه سیاست‌گذاری نوآوری»، *سیاست علم و فناوری*، شماره ۱۳: ۴۸-۳۳.
- حسینی، سیدجعفر (۱۳۹۴)، *تک‌نگاشت حکمرانی علوم انسانی*، در دست انتشار و چاپ توسط انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۵)، «فرایندها و مدل‌های طراحی نظام تحقیقات»، *رهیافت*، شماره ۱۳: ۸۰-۷۰.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقای کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران»، *سیاست علم و فناوری*، سال دوم، شماره ۱: ۱۶-۱.
- دانایی‌فرد، حسن، مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۸۴)، *روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع*، تهران: صفار.
- داوری‌اردکانی، رضا (۱۳۸۹)، *علم، پژوهش و سیاست‌های پژوهشی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضائیان، علی (۱۳۸۶)، «نظام پژوهشی و نظم اجتماعی پژوهش»، *پژوهش و حوزه*، شماره ۲۹: ۶۸-۵۶.
- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۶۰-۲۵۹: ۱۴۵-۱۳۲.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و صبا سلیمی (۱۳۹۴)، «تأثیر حکمرانی خوب بر شدت تحقیق و توسعه کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، *سیاست علم و فناوری*، سال هفتم، شماره ۲، ۱۰۳-۳۵.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱)، **نحوه ورود دولت‌ها در امر پژوهش**، طرح پژوهشی. عابدی‌جعفری، حسن، محمدسعید تسلیمی، ابوالحسن فقیهی و محمد شیخ‌زاده (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، **اندیشه مدیریت راهبردی**، شماره ۱۰: ۱۹۸-۱۵۱.

قاضی‌نوری، سیدسپهر و سیدسروش قاضی‌نوری (۱۳۸۷)، «استخراج راهکارهای اصلاح نظام ملی نوآوری ایران با تکیه بر مطالعه تطبیقی کشورهای منتخب»، **سیاست علم و فناوری**، شماره ۱: ۸۰-۶۴.

محب‌علی، داوود (۱۳۷۴)، «بررسی عملکرد مؤسسات تحقیقاتی علوم انسانی در سه سال گذشته (۷۱-۷۳-۷۲)»، **مطالعات مدیریت بهبود و تحول**، شماره ۱۹: ۹۸-۸۹.

مروتی، مرضیه و محمدجواد مروتی (۱۳۸۹)، «بررسی وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران از منظر مقام معظم رهبری: چالش‌ها و راه‌کارها»، **معرفت**، شماره ۱۵۳: ۲۲-۱۳.

منطقی، منوچهر، علی حسنی و علیرضا بوشهری (۱۳۸۸) «شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری در نظام ملی نوآوری ایران»، **سیاست علم و فناوری**، سال دوم، شماره ۳: ۱۰۲-۸۷.

میرطاهری، سیدعبدالله، محمود تیبانی، محمداسماعیل کلانتری و احمدرضا شرافت (۱۳۷۲)، «تحلیلی بر نظام تحقیقاتی در ایران»، **رهیافت**، شماره ۴.

نیومن، ویلیام لارنس (۱۳۹۲)، **شیوه‌های پژوهش اجتماعی (رویکردهای کیفی و کمی)**، ترجمه حسن دانایی‌فرد، جلد اول، تهران: کتاب مهربان نشر.

منابع لاتین

- Bevir, M. (2013), *The SAGE handbook of governance*, London: SAGE.
- Currie-Alder, B. (2014), *Changing Governance of Public Research: Research-for-Development (R4D) Funders in the United Kingdom, Canada and Australia* (Doctoral dissertation, Carleton University Ottawa).
- Donovan, C. (2005), "The governance of social science and everyday epistemology", *Public Administration*, Vol.83, No.3: 597-615.
- Fe' ron, E. & Crowley, J. (2003), "From research policy to the governance of research? A theoretical framework and some empirical conclusions", *Innovation*, Vol.16, No.4: 369-393.
- Jansen D, Insa P. (2015), *The Changing Governance of Higher Education and Research Multilevel Perspectives*, Springer International Publishing.
- Jansen, D. (Ed). (2007), *New forms of governance in research organizations: Disciplinary approaches, interfaces and integration*, Springer Science & Business Media.
- Jansen, H. (2010), "The logic of qualitative survey research and its position in the field of social research methods", In *Forum Qualitative Sozialforschung/Forum: Qualitative Social Research*, Vol.11, No.2.
- Kjaer, A. M. (2008), *Governance*, Cambridge: Polity.
- Kooiman, J. (Ed). (1993), *Modern governance: new government-society interactions*, Sage.
- Lee, S. (2007), "State", in Bevir, M. (2007), *Encyclopedia of governance*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

- OECD (Organisation for Economic Co-operation and Development) (2003a), "Governance of Public Research: Towards Better Practices", *OECD Science & Information Technology*, 9, 1-160.
- OECD Publishing. (2010), *The OECD Innovation Strategy: getting a head start on tomorrow*, OECD Pub.
- Permission of Central Manchester & Manchester Children's University Hospitals (2005), *NHS Trust Essentials of RESEARCH GOVERNANCE Information for Researchers, Students and Support Staff involved in Health & Social Care Research*.
- Polanyi, M. (2000), "The republic of science: Its political and economic theory", *Minerva*, Vol.38, No.1: 1-21.
- Polster, C. (2004), "Canadian university research policy at the turn of the century: continuity and change in the social relations of academic research", *Studies in Political Economy*, Vol.71, No.1: 177-199.
- Rhodes, R. A. W. (1996), "The new governance: governing without government", *Political studies*, Vol.44, No.4: 652-667.
- Rip, A. (2003), Societal challenges for R&D evaluation, *Learning from science and technology policy evaluation*, 32-53.
- Shove, E. & Redclift, M. (2001), Steering research toward policy: the case of social science and environmental change, *Knowledge, power and participation in environmental policy analysis*, 371-390.
- Slaughter, S. & Rhoades, G. (1996), "The emergence of a competitiveness research and development policy coalition and the commercialization of academic science and technology", *Science, Technology & Human Values*, Vol.21, No.3: 303-339.